

دردسر کاندیدای ضد جنگ برای پونین

یوریس نازدین، کاندیدی با شانس اندک برای ریاست جمهوری روسیه شده است. تلاش او برای جمع‌آوری امضای کافی جهت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ماه مارس، شوک سیاسی ایجاد کرده است. بیش از ۲۰۰ هزار نفر در حمایت از این سیاستمدار که علناً ضد جنگ است، حاضر شده‌اند و صفوف طولانی در محل‌های جمع‌آوری امضا در سراسر کشور ایجاد شده است. در میانه سرکوب مخالفت‌ها در روسیه، آن‌هایی که در چنین صوفی ایستاده‌اند، در حال اعلام یک موضع سیاسی آگاهانه هستند. در نهایت، محتمل‌ترین سناریو این است که نازدین اجازه شرکت در انتخابات نخواهد یافت؛ اما موفقیت او هم از سوی ساختار مستقر قدرت در روسیه از سوی مخالفان ساکت کشور مورد توجه قرار خواهد گرفت. اولین بار که نام نازدین به‌عنوان کاندید مطرح شد، بیشتر کارشناسان فرض را بر این گذاشتند که او کارزاری ملایم در هماهنگی نزدیک با کرملین خواهد داشت. هدف اجازه به چنین کارزاری این بود که کمی تنوع به تصور اضافه شود، مشارکت افزایش یابد و بعد وقتی اودر نهایت، عدد کوچکی از رأی به دست می‌آورد، درباره این سروصدا کنند که سیاستمداران لیبرال در روسیه چقدر نامحبوب هستند.

نازدین در بیشتر عمر حرفه‌ای خود، در گروه‌های سیاسی وفادار به کرملین فعال بوده است. او به ارتباطاتش با ناظر قدرتمند صحنه سیاست داخلی کرملین، یعنی سرگئی کیریلنکو هم مشهور است که بیش از ۲۵ سال روابط نزدیک با او داشته است. وقتی کیریلنکو در سال ۱۹۹۸، مدت کوتاهی نخست‌وزیر بود، نازدین دستیارش بود. با توجه به سابقه‌اش، او فاصله زیادی با جایگاه گزینه پرسروصداي مخالفین دارد. سابقه او نشان می‌داد او گزینه مناسبی برای جایگاه کاندیدای ملایم لیبرال در برنامه کرملین بود و احتمال زیادی هست که مذاکرات اولیه‌ای هم در این باره انجام شده باشد. احتمالاً پادش او هم اجازه کسب کرسی در دوما یا لاقل یک پارلمان منطقه‌ای می‌شد اما به نظر می‌رسد در نهایت کرملین این ایده را کنار گذاشته و نازدین تصمیم گرفته به تنهایی اقدام کند.

حالا نازدین در مسیر بسیار متفاوتی است. طبیعت مواضع علنی او حاکی از این است که امکان ندارد او گزینه بازی خراب‌کن یا تحت مدیریت کرملین باشد. مانیفست انتخاباتی‌اش می‌گوید پونین دارد «روسیه را روبه‌عقب، به گذشته می‌کشد» و «پونین اشتباه مهلکی کرد» وقتی به جنگ اوکراین رفت و کشور «به‌سرعت به سمت فئودالیسم قرون وسطایی و کهنه‌پرستی می‌رود». کرملین هیچ‌وقت نمی‌پذیرد کسی چنین حرف‌هایی بزند. در نهایت، واقعا مهم نیست چه چیز الهامبخش نازدین شده تا یک کارزار مخالفت واقعی راه بیاندازد. آنچه مهم‌تر است اینکه او به سرعت، مرکز تجمع روس‌هایی شد که مخالف جنگ در اوکراین هستند و آن‌هایی که می‌خواهند تغییری در رژیم بینند. حمایت از نازدین، راهی امن و قانونی برای ابزار مخالفت سیاسی شده است. صفوف امضاکنندگان هم بیشتر و بیشتر شبیه تجمع مخالفان شد. روس‌های ضد جنگ توانستند ببینند که تنها نیستند. در واقع، اصلاً به این خاطر صف درست شد که ستاد نازدین انتظار چنین حمایتی را نداشت. به‌شکلی متناقض، این به نفع‌شان شد و تصاویر صفت‌بستن مردم برای حمایت از نامزد ضد جنگ به سرعت در اینترنت پخش شدند. ارزش این تصاویر صرفاً احساسی نیست. با نزدیکی آمار تجمعات مخالفان در سال‌های اخیر و آمار امضا‌های حمایت، نازدین ثابت کرده است که همه مخالفان رژیم فعلی، کشور را ترک نکرده‌اند.

بعد چه خواهد شد؟ به احتمال قوی، کمیسیون مرکزی انتخابات صرفاً شرکت او در انتخابات را ممنوع خواهد کرد. سابقه هم داشته است: کارشناسان دست‌خط می‌گویند بخشی از امضاها جعلی هستند و اگر در مقابل شکایتی شود، دادگاه از این حرف حمایت خواهد کرد. اگر نازدین در صلاحیت شود و وقتی چنین شود، هیچ اعتراض قابل توجه خیابانی در کار نخواهد بود. خطر ش زیادی بالاست. با این حال، مردان وزنان این صفوف در انتظار فرصت‌های دیگر برای ابزار مخالفت خواهند بود. حامیان نازدین ممکن است به دردرس انتخاباتی هم تبدیل شوند، برای مقاماتی که می‌خواهند هم‌رکورد مشارکت درست شود هم بالاترین میزان رأی برای پونین. مهم‌تر از همه اینکه کارزار او اثری بر عکس منظور کرملین داشته است. آن‌ها می‌خواستند با استفاده از او نشان دهند ایده‌های دموکراتیک چقدر نامحبوب هستند، اما نتیجه عکس گرفته‌اند. تصاویر مردم در صفوف حمایت از کاندیدای ضد جنگ ضد پونین ثابت کرده است، هنوز روس‌های بسیاری هستند که مایل به تغییر سیاسی‌اند.



نگاه دیپلمات

در میانه آشوب تازه‌ای که از مسئله کهنه اسرائیل و فلسطین سر بر آورده، بسیاری بازیگران مستقیم یا غیرمستقیم، بالقوه یا بالفعل، درگیر هستند. شاید کشوری که بیش از همه در معرض آن قرار دارد و همین حالا هم ترکش‌های درگیری به او خورده است، لبنان است. در بحث‌ها درباره لبنان، البته همواره در درجه اول به یک بازیگر به جز دولت لبنان پرداخته می‌شود، یعنی به حزب‌الله لبنان، روابطش با ایران، سوابق در منطقه و زدو خورد‌های فعلی نیروهایش با اسرائیل، اما، به‌رغم اینکه ممکن است در نگاه اول به نظر نیاید، لبنان یک دولت مستقر هم دارد و این دولت هم سهمی از بحث دارد. عبدالله بوحیب، وزیر خارجه لبنان اخیراً برای گفت‌وگویی که اندیشکده «شورای روابط خارجی» برگزارکننده آن بوده است، در مقابل دوربا ایموس، استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه پرینستون نشست است تا به سوالات او درباره وضعیت خاورمیانه، اسرائیل، فلسطین و لبنان از نظرگاه مواضع دولت لبنان پاسخ دهد و انتظارات، خواسته‌ها و ایده‌های دولت بیروت را شرح دهد. آنچه از حرف‌های او برمی‌آید، این است که دال مرکزی دولت لبنان در این زمینه، به پایان رسیدن اختلافات و به‌راه افتادن روند عادی در منطقه هست و البته محتاطانه مشخص هم می‌کند که دغدغه طرف فلسطینی را دارد و تصمیم‌هایی را هم بر دوش اسرائیل می‌بیند. در عین حال به نظر می‌رسد، لاقل، به تنهایی قدرت این را ندارد که ماجرا را به این سمت ببرد، به خصوص در شرایطی که حتی در صحنه داخلی هم اوضاع را چندان به دست ندارد و حتی دولت بیروت الان بدون رئیس پیش می‌رود. البته بوحیب در ادامه همین مصاحبه، در پاسخ به سوال یکی از حضار که می‌پرسد، لبنانی که رئیس جمهور ندارد، چه اهرمی برای اثرگذاری دارد، ضمن ان‌شاء‌اللهی که برای پیداشدن رئیس جمهور در سال جاری دارد می‌گوید، تلاش نیروهای وزارت خارجه لبنان بر این است که خود را در مقابل مشکلات صحنه داخلی ایزوله کند، اما در نهایت، از توضیحات خود او بر می‌آید که وضعیت ضعیفی که دولت بیروت دارد، باعث می‌شود که دولت رسمی لبنان حتی خودش هم انتظار این را نداشته باشد که نقش‌آفرین اصلی ماجرا باشد و منتظر اقدام دیگر بازیگران در جهت خواسته‌هایش است. ترجمه این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:



«فکر می‌کنم ما هیچ‌وقت خاورمیانه را این‌طور ندیده‌ایم. من از سال ۱۹۸۲ در حال پوشش اخبار خاورمیانه بوده‌ام و هیچ زمانی به ذهنم نمی‌رسد که این‌طور ناآرامی دیده باشیم. شما هم این احساس را دارید که این زمان متفاوتی است و نمی‌دانید عاقبت چه خواهد شد؟»

درست است، چون کشتار و ویرانی بدتر از هر زمانی پیش از این است. آنچه در ۱۷ اکتبر اتفاق افتاد و بعد واکنش اسرائیلی‌ها، با هر زمان دیگری در منطقه، بسیار بسیار متفاوت است. جنگ‌های زیادی هم داشته‌ایم، حتی بین غزه و اسرائیلی‌ها. آن جنگ‌ها در این بُعد نبودند. در این سطح از کشتار و ویرانی نبودند. امروز اوضاع خیلی بد است و این احتمالاً دلایل بسیار بسیار بزرگی به ما می‌دهد که ما، همه‌مان، از صلح بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها حمایت کنیم.

«اما موضوع بیشتر از صرفاً غزه است. آمریکایی‌ها را دارید که دارند حوثی‌ها را بمباران می‌کنند، حوثی‌ها که کشتی‌های حمل‌ونقل را بمباران می‌کنند، ایرانی‌ها پاکستانی‌ها را بمباران می‌کنند، پاکستانی‌ها ایرانی‌ها را. منظورم این است که فقط غزه نیست، بلکه تمام منطقه در آشوب است. اینجاست که از خودتان می‌پرسید: چرا همه دارند سعی می‌کنند بقیه را بزنند؟» خب من نمی‌دانم. قطعی نیست که آنچه بین ایرانی‌ها و پاکستانی‌ها دارد اتفاق می‌افتد خیلی به آنچه در اسرائیل اتفاق می‌افتد، مربوط باشد. اما همه این‌ها باعث دغدغه هستند. به‌خصوص ایران. این دغدغه بخشی از بازی‌ای است که در خاورمیانه داریم. ما در بیروت بعد از دو سه هفته که اوضاع کمی آرام شده، به وضعیت عادی برگشته‌ایم، ولی در جنوب جنگ داریم. یعنی وضعیت همه جای منطقه همین است. بنابراین نمی‌دانم این‌ها به هم مربوط هستند یا نه اما هیچ نشانه‌ای نیست که به آنچه بین ایران و پاکستان اتفاق افتاد، مربوط باشند یا بین ایران و زدن سوریه، یا آن بخش از سوریه که تحت اشغال ترکیه است.

البته ایران در خیل است. جنبش‌های مقاومتی بسیاری دارد که واقعاً با ایران در تعامل هستند و به ایران مربوط هستند؛ شامل حزب‌الله، گروه‌های عراقی و گروه‌های سوری. می‌بینیم که دولت سوریه بی‌طرف است و کاری به جنگ ندارد اما می‌بینید که خیلی مناطق در سوریه، کمی درگیر جنگ هستند.

«قطعاً. وقتی اخبار را می‌خوانید، می‌بینید که اسرائیل می‌گوید قصد دارد درگیری با حزب‌الله را در مرز لبنان بالا ببرد، اگر به زودی یک توافق دیپلماتیک حاصل نشود. این خبر از واشنگتن پیست است. اعلام این موضوع هم براساس مصاحبه‌ها با مقامات لبنانی،

بدون ذکر نام است. بنابراین می‌دانید که این اتفاق در راه است. من به این فکر می‌کنم که شما چنین احساسی داشته‌اید که دارید به درون یک جنگ هل داده می‌شوید یا نه. آیا می‌توانید در این مذاکرات بر سر آنچه اسرائیلی‌ها حرفش را می‌زنند، دخیل باشید؛ یعنی اینکه حزب‌الله به سمت شمال رودخانه لبتانی برود؟ احساس این را دارید که می‌توانید به اندازه کافی در مذاکرات سریع حرکت کنید که جلوی این اتفاقی که اسرائیلی‌ها حرفش را می‌زنند، بگیرید؟

بعید می‌دانم. در واقع، آمریکایی‌ها با پیشنهادی مشابه آمدند که عبارت است از عقب‌نشینی از رودخانه لبتانی تا هشت کیلومتر به سمت شمال تا شهرک‌نشینان در شمال اسرائیل این را ببینند و برگردند. دشمنی وجود دارد اما لبنانی‌ها این احساس را ندارند که اسرائیل خیلی از زمین ما را گرفته است. اختلافات مرزی داریم. تا اینجا چندین بار تلاش کرده‌ایم مسئله مرزی که بین ماست را تمام کنیم. اسرائیلی‌ها در این باره دارند زمان زیادی صرف می‌کنند. بحث «مزارع شبعاً» را هم داریم و مناطق مورد مناقشه. آن‌ها می‌گویند این‌ها مال شما نیستند، بخشی از سوریه هستند؛ اما خب ما می‌گوییم فرقی چیست. اگر این بحث هم حل شود، مشکلی بین ما نخواهد بود. اگر خواستند می‌توانند بروند بلندترین دیوار را بسازند. ما درخواست کرده‌ایم که توافقی بر سر مرز باشد. چهارده نقطه در مرز هست که مورد مناقشه است. درباره بعضی از این نقاط سال‌ها پیش توافق شده است و داریم سعی می‌کنیم شش نقطه را هم تمام کنیم تا مرز مشخص شود و تمام شود. بعد به سراغ مناطق دیگر مثل کشتزارهای شبعاً و دیگر مناطق مورد مناقشه می‌رویم. اما هیچ پیشرفتی در کار نبوده است. البته اسرائیلی‌ها می‌گویند مشکل از لبنانی‌هاست اما ما فکر می‌کنیم مشکل از اسرائیلی‌هاست چون ما درخواستش را کرده‌ایم. از طریق یونیفیل [UNIFIL نیروهای موقت سازمان ملل متحد در لبنان] و مسیرهای دیگر درخواست کرده‌ایم، همین‌طور از طریق آمریکایی‌ها.

«پس وقتی درباره این می‌خوانیم که لبنانی‌ها از [قطعنامه] ۱۷۰۱ می‌گویند و از مذاکرات، به نظر می‌رسید بحث خیلی بلندمدت‌تر است، همان‌طور که گفتید. بحث‌شان این است که بیاید تکلیف مرز لبنان و اسرائیل را روشن کنیم، تکلیف کشتزارهای شبعاً را روشن کنیم، حزب‌الله هم دارد از همین حرف‌ها می‌زند. دولت شما می‌گوید ما به کمک نیاز داریم. اگر بنا باشد سربازان لبنانی در مرز باشند، نیاز داریم پشتیبانی در کار باشد، یا پولی. حسن من این است که جدول زمانی اسرائیلی‌ها بسیار کوتاه‌تر است. آن‌ها می‌خواهند حزب‌الله ماه آینده به شمال لبتانی برود. الان انگار شما فکر نمی‌کنید این ممکن باشد.»

ما الان منطقه‌ای بی‌طرف در شمال اسرائیل داریم، چون آن‌جا کسی نیست، خیلی از مردم به سمت جنوب رفته‌اند و بار

سنگینی روی دوش اسرائیل است. حدود ۸۰ هزار نفر را هم داریم که به سمت شمال رفته‌اند. این هم بار سنگینی است، چون این مردم کس‌وکار دارند. نزد بستگان‌شان می‌روند. در هتل نمی‌مانند. در منطقه اشغالی نمی‌مانند. بنابراین شاید این برای اسرائیلی‌ها هزینه‌برتر است. اما برای هر دو طرف وضع همین است. اگر جنگی در کار باشد، این مردمی که هیچ ربطی به جنگ ندارند، این مناطق را ترک خواهند کرد، مگر اینکه توافقی داشته باشیم. بعد چه خواهد شد؟ اگر حزب‌الله به سمت شمال برود، آن‌وقت چه خواهد شد؟ آیا اسرائیلی‌ها باز خواهند گشت و ماجرا ادامه پیدا خواهد کرد، در شرایطی که در جنوب جنگ در غزه ادامه دارد؟ نه، ما نیاز به یک مصالحه کلی داریم. آخرین بار که ما برای تبادل زندانی یک آتش‌بس پنج‌روزه داشتیم، وضعیت تنش در مرز و درگیری هم متوقف شد. الان درگیری‌ها کوچک هستند و فکر نمی‌کنم قصدی برای جنگی بزرگ در کار باشد و این به آنچه در غزه در جریان است هم مربوط است.

از نظرگاه عربی، آنچه در غزه دارد رخ می‌دهد، قابل قبول نیست. از نظرگاه دنیا هم قابل قبول نیست، حتی در سازمان ملل متحد، برای بیشتر کشورهای دنیا قابل قبول نیست. بنابراین واقعاً لازم است که جنگ متوقف شود. اگر جنگ در غزه متوقف شود و آتش‌بسی در کار باشد، شروع می‌کنیم درباره اینکه مشکلات‌مان را چطور حل کنیم، مذاکره کنیم، بعد همه عقب خواهند نشست و مشکلی نخواهد بود.

ضمناً باید شروع کنیم، مستقیم یا غیرمستقیم با اسرائیلی‌ها صحبت کنیم؛ بیشتر غیرمستقیم، تا مرزها را مشخص کنیم، از طریق سازمان ملل متحد، از طریق آمریکایی‌ها، از هر طریقی، از طریق فرانسوی‌ها اگر می‌خواهند درگیر نشوند. مرزها را مشخص کنیم؛ چون مرزها در ۱۹۴۸ مشخص بودند. درباره‌اش توافق شده بود. اما در طول زمان، اسرائیل در مرز شهرک برپا کرد و در نتیجه نوعی خطر وجود دارد و آن‌ها می‌خواهند مرز را کمی تغییر دهند. همه این‌ها را می‌شود مدیریت کرد و درباره همه‌شان گفت‌وگو کرد، اگر گفت‌وگویی در کار باشد، مستقیم یا غیرمستقیم، مثل کاری که معمولاً با سازمان ملل متحد می‌کنیم. بنابراین ما آماده انجام این کار هستیم. ما درخواستش را کرده‌ایم اما اسرائیلی‌ها می‌گویند الان زمانش نیست. اگر زمانی برایش هست، بیایید این کار را بکنیم.

«پس بگذارید فقط یک سوال دیگر در این باره بپرسم و بعد از مسئله مرز می‌گذرم. پس شما می‌گویید اگر در غزه آتش‌بسی باشد، درگیری‌های کوچکی که بین حزب‌الله و اسرائیل است، متوقف خواهد شد. درست است.»

«اما نکته دوم این است که جدول زمانی اسرائیل چیز دیگری می‌گوید. در رسانه‌های اسرائیلی می‌بینیم که این‌طور می‌گویند: آن‌ها [حزب‌الله] باید به عقب برگردند. اگر به عقب برگردند، آن‌جا را بمباران

گفت‌وگو با وزیر خارجه لبنان در پنلی که شورای روابط خارجی آمریکا درباره وضعیت فعلی خاورمیانه برگزار کرد:

می‌خواهیم مرز با ثباتی داشته باشیم

